

سالروز جهانی تئاتر

پیام و امینسکی
رئیس انستیتوی بین‌المللی تئاتر

متن زیر عین پیامی است که وسیله آثای یانوش و امینسکی رئیس انستیتوی بین‌الملل تئاتر بمناسبت سالروز جهانی تئاتر روی تلکس خبرگزاریهای جهان مخابره شده است.

ما بلحاظ جامع و مانع بودن در تلقی نقش هنر و هنرمند و تعهد ایشان نسبت به اجتماع و بالعکس پیام را به سخن آغازین برگزیدیم هرچند بر این پندار هستیم که، هر انسانی چنین که این متن اذعان دارد اندیشه کند. امیدمان بر این باشد که در سال جاری اندیشه‌ها به فعل و عمل درآیند تا در پناه چنان آرمانی، جهانی به سعادت و فارغ از استعمار و استثمار و بهره‌کشی را به دیده ببینیم.

راپاس دارد.

لئون شیلر، یکی از رجال بسیار بزرگ تئاتر لهستان میگفت "تئاتر فقط آنگاه تئاتر میتواند باشد که زندگی و زمان آنرا منعکس سازد"

تئاتر تنها هنگامی تئاتر است که شناخت روان پیچیده مردم خود را بیاورد، مسائل روانی آنرا ایضاح کند، وجدان ایشان را به داوری کشاند و برای حقوق آنان پیکار کند ایجاد چنین تئاتری وظیفه هنرمندان معاصر است.

در چنین تئاتری است که حساسیت روحی انسانها، که جهان پیرامون، خفه اش کرده است میتواند دگر باره جان گیرد. چنین تئاتری است که میتواند همیاری فکری و روحی در مردمان پدید آورد.

هجدهمین روز جهانی تئاتر، سال جاری ۱۹۸۵ را باید با شعار "تئاتر، پاسدار صلح و شرافت انسان" برگزار کرد. این به ما فرصت میدهد که دولتهای سراسر جهان را فرا خوانیم به اینکه به تئاتر مقام بسیار نزدیک آنرا نزد ملت، درهر کجا که هنوز واجد آن نیست، ببخشند و فراخوان برای جهانی اهتمام ورزیم که در آن دیگر نه آنتیگون، فنانا پذیر خواهد بود نه هملت، نه رمکو و نه ژولیت، جهانی که در آن چیزی به حد انسان شایان ستایش نخواهد بود.

تسلیمات گسترش داده میشود. در عین پشتیبانی از آزادی خلق‌ها، حاکمیت آنها نقض میشود. رسماً "منشور حقوق بشر بگوش جهانیان رسانده میشود و در همان حال هر روز شرافت انسانی لگدمال میگردد. در اساسنامه یونسکو آمده است که جنگها از انسان نشئت میگیرند بنابراین درروح انسان است که باید صلح را صلحی پایدار پی افکند که بر همیاری فکری و روحی انسان استوار میباشد.

واقعیت کجاست؟ از سی و پنج سال پیش، از پایان جنگ جهانی دوم، اعتبارات فرهنگی و هنری پایه پای افزایش هزینه‌های تسلیحاتی کاهش می‌پذیرد. شاید این فرهنگ و هنر، و هنرمندان باشند که باید به پیشگیری از انحطاط انسان فراخوانده بشوند.

هنر وجدان فرد و اجتماع است. تئاتر از همان آغاز پیدائی خود، همیشه در مجادله درونی روان آدمی درباره نیکی و بدی مشارکت داشته است. تئاتر، دروغ و ریاکاری، خشونت و سودای قدرت، کبر و خودپرستی را رسوا ساخته است.

هنر دراماتیک از اشیل تا نویسنده‌گان و دست اندر کاران تئاتر امروزی، بیاری شکسپیر، مولییر، ایپسن، چخوف، برشت، بکت، برآن بوده است که راز هستی انسان را مکشوف سازد. بر رمز وجدان و روح انسان دست یابد تا زندگی و شرافت انسان

سوفوکل میگفت در میان شگفتیهای جهان چیزی بعد از انسان شاهان ستایش نیست. دوهزار و پانصد سال بعد جمعی کثیر از هنرمندان، فیلسوفان، فرمانروایان، رجال سیاسی، این اندیشه شاعر بزرگ یونان را پذیرا شده‌اند. میتوانیم بگوئیم که در تاریخ بشریت تاریخ تحول حقوق بشر و تحقق پذیری مقاصد انساندوستانه در جهان است.

با اینحال، امروز که سده بیستم به پایان خود نزدیک میشود، آینده بشریت ما را نگران و اندوهگین میسازد درحقیقت روزی نیست که از وقوع اعمال خشونت - آمیز و وحشتباری که به گونه‌ای فزاینده بی رحمانه میشود و از بروز تشجعات مخاطره آمیز و تصادمات مسلحانه وقوف نیابیم. هر روز شاهد کینه توزی فزاینده انسانی نسبت به انسانی دیگر، گذشت - ناپذیری و عدم تحمل متقابل، نقض خشونت آمیز حقوق بشر هستیم و این خود در مناسبات بین‌الملل بصورت خطر - بروز فجایی تجلی میکند گوئی بشریت به تب "خود ویران سازی" دچار آمده است.

در عین ابراز تمایل به پیشگیری از فجایع، روش درمانی فاجعه آمیز و خارق العاده بکار گرفته میشود. بدین معنی که در عین مبارزه برای پایداری از زندگی به قطع ریشه‌های آن دست می‌یازند در ضمن اعلام صلح، روند مارپیچی